مطالعه تطبیقی کاشی کاری اسلامی در ایران و آسیای صغیر

رقیه سلطانی لشکناری: دانشجوی دکترای باستان‌شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران
roghiyeh.soltani@yahoo.com
جعفر جودکی: دانشجوی دکترای باستان‌شناسی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران

چکیده

در میان بخش های گوناگون تمدن اسلامی چون علوم، صنایع، نظامات، آداب و رسوم و اعتقادات، هنر اسلامی از همه ملموس‌تر، پرجاذبه‌تر و ماندگارتر است. این هنر چون شاخه‌های دیگر تمدن اسلامی از میراث هنری تمدن‌های مختلف پیش از خود بهره جسته و اقوام مختلف در آن نقش ایفا کرده، و در سطح جغرافیایی بسیار دامنه داری پدیدار شده است. تنوع و چگونگی هنر اسلامی از ویژگی‌های برجسته این هنر دیرپا و پرشکوه است که بی شک نشانه نبوغ، آفرینش‌گری و سلیقه سلیم آفرینندگان آن است. پر واضح است که بررسی تمام جنبه‌های این هنر شگفت و خیال انگیز در یک مقال هرگز نمی‌گنجد چرا که دریا را چون می‌توان در کوزه‌ای جای داد؟ به هر تقدیر هنر اسلامی بخشی از وضعیتی عام بود که با ظهور اسلام در تاریخ هنر جهانی پا گشود.

هدف از انجام این تحقیق آشنایی با هنر کاشی کاری اسلامی در ایران و تطبیق آن با همتای آن در آسیای صغیر می باشد. بنابراین با استفاده از مقالات و کتب مختلف و به روش کتابخانه ای مطالعه ای توصیفی را انجام داده و نتیجه مطالعات حاکی از تفاوت ها و تشابهات متفاوت در سبک و سیاق معماری اسلامی با آسیای صغیر در نمونه مورد بررسی یعنی کاشی کاری می باشد.

کلمات کلیدی: کاشی کاری، هنر معماری، معماری اسلامی، ایران، آسیای صغیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

ایران در مرز میانه گرایش‌های شدید مذهبی و باورهای تاریخی و فرهنگی و آیینی از یک سوء و مختصات نظم پذیری و بریدن از هستی شناسی به شیوه کهن و روی‌آوری به معرفت شناسی[1] از طریق عقل محوری خود بنیان ابزار ساز جهان مدرن از سویی دیگر، قرار گرفته است که در آن حتی بازگشت مجدد به اسطورها و مناسک آیینی از دیدگاه عقلی و کاربردی صورت می‌گیرد و از ابعاد ایمانی و اعتقادی تهی است.

اینک جهان غیر غربی به علت فاصله شدید از تولیدات فکری و مادی جهان غرب؛ و در عین حال وابستگی گریز ناپذیر به آن‌ها؛ چاره‌ای ندارد جز یافتن راه حلی که بتواند به صورتی فراگیر، تمامی جنبه های دخیل در آنچه را خواسته یا ناخواسته معروض سیطره آن قرار گرفته است، در بر گیرد تا بدین طریق امکان ارتباط با جهان خارج از خود را داشته باشد. از طرف دیگر جهان غرب نیز در خلا معنایی حاضر، گریزی جز شناخت فرهنگ‌های دیگر گشورهای جهانی ارتباط با آن‌ها به منظور ادامه حیات خود نمی‌یابد.

بر این مبنا به نظر می‌رسد که راه حل منطقی این باشد که در عین توجه به درد فرهنگ عرفانی و دینی و ابلاغ پیام آن درصورت‌های هماهنگ با دیدگاه‌های امروز و تکنیک‌ها و دستاوردهای جدید شکلی ویژه از تلفیق مؤلفه‌های پدید آورنده عرضه گردد؛ به گونه‌ای که صورت زیبای برآمده از عناصر زمانی، ظرفیت پذیرش معنای ژرف و گسترده بی زمان را در خود بیابد.

در شکل‌گیری معماری ایران، نظر، جهان‌بینی و تفکر ارتباط بسیار نزدیک با فضا داشته است. این امر ممکن است در مرحله اول جستجوگر حل مسائل جوی و اقلیمی بوده باشد ولی در مراحل تکمیلی، ذهنیتی مشهود است که در آن کلیه تحولات عقلانی و تخیلات معنوی نفوذ کرده‌اند. همان‌گونه که پیوند نگاه به دنیا و زندگی در جوشش مکان‌ها و فضاها در تمامی ساختمان‌های معماری سنتی به چشم می‌خورد.

در مطالعه معماری ایرانی و استخراج مفاهیم، مبانی و ویژگی‌های آن کاملاً روشن است که اساس و شالوده اصلی آن در فلسفه وجودی این سرزمین بوده است و در نتیجه، مطالعه آن بدون عمیق شدن در مسائل اجتماعی، فرهنگی، دینی و ادبی ناممکن است و روش تطبیقی رفت و برگشتی بین قالب (صورت) و فلسفه اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. دشواری این تحلیل از همین جا آغاز می‌شود. چرا که کالبد همیشه قابل نقد علمی است، به ویژه هنگامی که این نقد در ارتباط با محیط فیزیکی و جغرافیایی صورت می‌گیرد. مطلب پیچیده‌تر، راز فضای فرهنگی است که بدون سفر عاشقانه در ژرفای انتزاعی و معنوی آن به دست نمی‌آید. تمام معماری‌های برجسته جهان رازی دارند که فقط با چشم دل می‌توان به آن راه یافت. در ایران این نگرش عاطفی هنگامی حاصل می‌شود که تعادل و پیوندهای محیطی و معنوی انسان با استحکام و تعادلی مطلوب برپا شده باشد.

تاریخچه هنر کاشی کاری در ایران

تلاش اولیه هنرمندان کاشی کار در جهت به کارگیری این هنر در معماری مذهبی بوده، هر چند که کاشی‌کاری را نباید صرفا هنری قدسی به شمار آورد، چرا که نمونه‌های آن در بناهای غیر دینی، از جمله در تپه باباجان لرستان مربوط به دوره مادها و در کاخ هخامنشیان در شوش به دست آمده است. در دوره اسلامی، ایرانیان تا پیش از رواج کاشی‌کاری، بناهای خود را با نقاشی و رنگ تزئین می‌کردند. این نقاشی‌ها از گل و بته، منظره و... تجاوز نمی‌کرد. نقاشی روی دیوار تا قرن چهارم ه.ق ادامه یافت اما در این دوران رفته رفته کاشی کاری جای آن را گرفت و نقش مهمی در معماری ایران پیدا کرد(ماهر النقش، ۹،۱۳۶۲). طی دوره سلجوقی در بیشتر بناها از آجرکاری با نقش‌های متنوع بهره می‌بردند و در اواخر این دوره به دلیل پر هزینه و وقت بر بودن آجرکاری، کاشی کاری کم کم جای آجر را می‌گیرد و تکامل بسیار می‌یابد. مطالعه در سفال و کاشی و لعاب دوره سلجوقیان، نمودار ذوق و سلیقه فوق العاده هنرمندان آن عصر در این فن زیبا است.

همزمان با ورود سلجوقیان به ایران و شروع حکمرانی آنان، بناهای آرامگاهی نیز رشد بی سابقه و چشمگیری می‌یابد؛ شمار مساجد که تا قبل از این، بیشترین حجم معماری را تشکیل می‌داد، کم شد و تعداد مقابر و مناره‌های مربوط به آنها رو به افزایش نهاد(فریه، ۱۳۷۴: ۸۶). در این دوره بخش عمده ای از آرامگاه‌ها برای پادشاهان و حاکمان وقت و همچنین برای مقدسین ساخته می‌شد، مانند مقابر برجی مراغه (تصویر ۱) و آرامگاه‌های پیر علمدار(۴۱۷ ه.ق)، چهل دختران(۴۴۶ ه.ق)، برج مهماندوست(۴۹۰ ه.ق)، برج طغرل(۵۳۴ ه.ق). طبق روش اهل سنت، آرامگاه‌های ائمه اطهار (ع) به ندرت در شمار برج های مقبره‌ای قرار می‌گیرد(هیلن براند، ۱۳۸۳ :۲۸۲).

تصویر۱: مراغه، گنبد سرخ، نمای سردر وردی تزئین با کاشی فیروزه‌ای

[1] epistemology

همان طور که هیلن براند نیز بدان اشاره دارد، سلاجقه، سنی مذهب بودند و نسبت به مذهب خویش تعصب داشتند؛ بررسی‌های جامعی بر بناهای آرامگاهی اثبات می‌نماید که در این دوره ساخت مقابر مربوط به ائمه اطهار در پایین‌ترین حد خود بوده است، برای نمونه می‌توان به بناهای دوازده ضلعی امامزاده اسحاق گرگان اشاره کرد (تصویر ۲) که دارای سر در کاشی‌کاری آبرنگ بوده است(عقابی، ۱۳۷۸: ۹۹). با وجود این کاشی‌کاری سلجوقی در مساجد و بناهای آرامگاهی مورد احترام سلاجقه، خود را نمایان می‌سازد. کاشی‌کاری بر بنای تدفینی سلطان سنجر در مرو، (اخیراً آن را کاخ می پندارند) بر روی بدنه گنبد نقش می‌بندد. در گنبد سرخ (۵۴۲ ه.ق) که قدیمی‌ترین آرامگاه مراغه است، در میان زمینه سرخ فام آجرهای بدنه مقبره، نقاط کاشی‌های فیروزه‌ای به کار گرفته می‌شود(دیباج، ۱۳۴۵: ۸۸). و همان طور که آندره‌گدار عنوان می‌کند: «بنای گنبد سرخ مراغه مرحله‌ی مهمی از معماری اسلامی را نشان می‌دهد و آن آغاز پیدایش کاشی‌کاری در تزئین خارجی ابنیه در شمال کشور است.» (گدار،۱۳۶۷-۴۷۵). برج مدور مراغه(۵۶۳ ه.ق) نیز که تزئینات آن شامل یک دوره پهن آجر، سفال و کاشی است، کاشی کاری فیروزه ای رنگ بروی کتیبه های آن به کار رفته است(حاتم، ۱۳۷۹: ۱۱۱). و در سطحی متکامل‌تر نسبت به گنبد سرخ قرار دارد.

تصویر ۲: گرگان، امامزاده اسحاق، تزئینات بدنه خارجی بنا و استفاده از کاشی فیروزه‌ای (حاجی قاسمی،۱۳۸۹)

در دوره ایلخانی کاشی‌کاری به مثابه گچبری رشد و نمو پیدا می‌کند و جزء لاینفک معماری ایلخانی می‌گردد و برای اولین بار در کل ساختمان بناها، کاشی کاری برای تزئین و آرایش به کار گرفته می‌شود. در گنبد سلطانیه هم در سطوح داخلی و هم در سطوح خارجی آن کاشی به کار گرفته می‌شود(ویلبر،۱۳۶۵: ۹۱). هر چند که در همان دوره ایلخانی کاشی‌کاری نمای داخلی آن با یک لایه استر گچی پنهان می‌گردد. کاشی‌کاران دوره ایلخانی در ابتدای کار به سبک و شیوه دوره سلجوقی کار می‌کردند (تصویر ۳ و ۴)، اما به مرور زمان در این صنعت نوآوری‌هایی، هم در زمینه نقوش و هم در شیوه ساخت پدید آوردند، علاوه بر این کاشی‌هایی با نقوش انسانی، حیوانی و اشعار غیر مذهبی در بناهای مذهبی نیز رواج پیدا کرد(برند، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

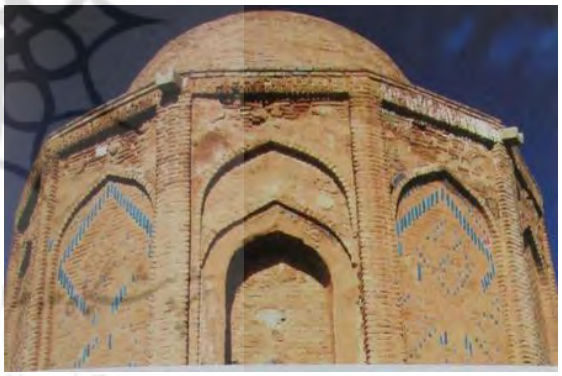

تصویر ۳: همدان، امامزاده هود، تزئینات نمای خارجی (حاجی قاسمی،۱۳۸۹)

تصویر ۴: همدان، امامزاده هود، تزئینات نمای خارجی (حاجی قاسمی،۱۳۸۹)

همان طور که دکتر یعقوب اتینگهاوزن اشاره می‌کند: «در دوره ایلخانیان به دلیل سیاست‌های مذهبی مغولان با نوعی آزادی عملی شعیان اثنی عشری مواجه هستیم.»(اتینگهاوزن، ۱۳۶۵: ۳۷). آرامگاه‌های این دوره بزرگترین گروه را در بر گرفته و علت این امر، یکی توجه مردم به عارفان و صالحان مردم دوست و دیگری آزادی یافت شیعیان به دلیل تمایل برخی ایلخانان مسلمان به آیین شیعه است، از جمله الجایتو(غروری، ۱۳۷۶: ۱۴۳). بنابراین طی این دوره ساخت بناهای آرامگاهی برای امام زادگان رشد می‌یابد و به دلیل اهمیت این دسته از بناها، با انواع هنرهای اسلامی از جمله کاشی‌کاری مزین می‌شوند. کاشی‌کاری دوره ایلخانی در ارتباط کامل با امامزادگان بوده و به طوری که در اکثر این بناها، مهم‌ترین زینت به شمار می‌آید.

نمونه قدیمی آن در بناهای مذهبی مربوط به کاشی‌های حرم حضرت معصومه(س) است که مشتمل بر خطوط برجسته به رنگ‌های مختلف و نقوش دیگر به امضای ابی طاهر و حامل تاریخ ۶۰۲ ه.ق است. بعد آن از کاشی‌های محراب حرم حضرت رضا(ع) که اکنون در دارالحفاظ قرار گرفته‌اند، می‌توان نام برد که به خط ثلث برجسته نشانگر آیاتی از قرآن و امضای ابی طاهر الحسن ابوزید و بانی آن عبدالعزیز آدم بن ابی النصر قمی است و تاریخ ۶۱۲ ه.ق را دارد. در سال ۶۵۹ ه.ق نیز مجموعه ای از کاشی‌های ظریف و عالی به شکل ستاره و صلیب (چلیپا) برای مرقد امامزاده یحیی در ورامین تهیه شد؛ این کاشی‌های دارای طرح‌های پر برگ خلاقانه، بسیار عالی و درخشان هستند.

نقش مهمی که کاشی در دوره ایلخانی ایفا می‌کرده، مربوط به پوشش محراب‌ها می‌شده است به طوری که محراب امامزاده یحیی در ورامین به سال ۷۰۵ ه.ق، که امضای محمد بن ابی طاهر بر روی آن آمده، با کاشی زرین فام زینت داده شده است. محراب امامزاده علی بن جعفر قم با کاشی (کاشی معرق)، گچبری و نقاشی تزئین شده و تاریخی به سال ۷۳۴ ه.ق رقم عمل یوسف بن علی بن محمد بن ابی طاهر را دارد (برند، ۱۳۸۳: ۱۵۶-۱۵۱). و محراب زرین فام بقعه شیخ عبدالصمد

اصفهانی در نطنز که امروزه باید در موزه‌هایی چون موزه برلین و ویکتوریا -آلبرت لندن به سراغشان رفت. نـه تنهـا محـراب، خـود سـاختمان مقبـره نیـز طـی دوره ایلخانی پوشیده از کاشی متنوع و رنگین می شد؛ کاشی‌کاری های معرق خوش رنگ امامزاده قاسم عجب شیر (قرن ۸ ه.ق) (تصویر ۵ و ۶) که امـروزه تنهـا سـردابه سنگی آن باقی مانده، شکوه کاشی‌های ایلخانی را در منطقه آذربایجان به نمایش در می‌آورد(معروفی اقدم و محمودی نسب، ۱۳۹۲: ۷). از دیگر بناها با تزئین کاشـی معرق مربوط به دوره ایلخانی می‌توان به امامزاده بابا قاسم در اصفهان اشاره کرد (تصویر ۷).

تصویر ۵: مراغه، امامزاده قاسم عجب شیر

تصویر ۶: مراغه، امامزاده قاسم عجب شیر

نمونه‌های دیگر کاشی‌کاری معرق را در درون آرامگاه آبش‌خاتون شیراز به ارتفاع دو متر در ازاره آن و دور تا دور نمای بیرونـی آن بـه کـار رفتـه اسـت(بهـروزی، ۱۳۴۹: ۲۵۲-۲۵۱). کاشی‌های هشت گوش فیروزه ای و خشتی سی سانتی با حاشیه‌ی برجسته گل و بوته بر بدنه ازاره امام زادگان سلطان سید اسحاق سـاوه (قـرن هفتم ه.ق) و همچنین بر مرقد ایشان (رجبی، ۱۳۷۴: ۱۶۲) و کاشی‌های فیروزه‌ای فام برجسته با نقش کشکولی داخل حـرم امـام زاده شـاهزاده ابـراهیم و شـاهزاده محمد شهر رضا(رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۹۰۴-۹۰۳) خودنمایی می‌کند، کاشی‌های خشتی هشت ضلعی کوکبی به تاریخ ۶۶۸ ه.ق با نقوش انسانی که در نـوع خـود بی نظیر است، در امام زاده شاهزاده اسماعیل قم (عقابی، ۱۳۷۸: ۱۳). و کاشی های کوکبی نوع شش ضلعی و مثلثی منقش بـه نقـوش طلایـی بـر زمینـه سـفید از نفیس‌ترین کاشی‌های دوران مغول را بر روی ضریح امام زاده حبیب بن موسی کاشان (نیمه دوم قرن هفتم) قرار داده اند(ویلبر،۱۳۴۶: ۱۲۲). بر بدنه بنـای امـام زاده سید علی نائین (اواخر قرن ۷ ه.ق) کاشی‌های ساخت نائین با اشعار فارسی نیز نقش بسته است(سلطان زاده، ۱۳۷۴: ۲۳۲).

به طور کلی در امام زاده‌های زیادی از دوره ایلخانی می‌توان کاشی را به عنوان عنصر مهم و تزئین اصلی بنا به وضوح مشاهده کرد و باید اذعان کرد که طی ایـن دوره ساخت بناهای مذهبی از جمله مساجد و مقابر فزونی می‌یابد و استفاده از کاشی نیز بروی بناها، چه به عنوان تزئین و چه بـه عنـوان اسـتحکام بنـا بـه بـالاترین درجه می‌رسد و سهم مقابر مذهبی، علی الخصوص آرامگاه‌های امامان و امامزادگان برای زینت یابی با کاشی‌کاری‌هـای متنـوع، در کنـار مسـاجد، در دوره ایلخـانی از همه بیشتر بوده است.

تصویر۷: اصفهان، امامزاده بابا قاسم، ۷۴۱، ه.ق، کاشی معرق سر در ورودی (حاجی قاسمی،۱۳۸۹).

تیموریان نیز همانند ایلخانان به ایجاد بناهای مذهبی و غیر مذهبی علاقه نشان دادند و از نظر طرح و شیوه معماری، از نقشـه هـا و طـرح‌هـای متـداول و رایـج دوره‌های قبل، بهره می‌بردند. بناهایی که بر روی قبور یا پیرامون آن‌ها برپا شد، تقریبا چهل درصد کل بناهای دوره تیمـوری را بـه خـود اختصـاص مـی‌دهنـد(خلج، ۱۳۸۲: ۲۰۹). آمار مذکور نشان می‌دهد که ساخت بناهای مذهبی طی دوره تیموری کاهش یافته است و مقابر این دوره بیشتر مربوط به شخصیت‌های غیـر مـذهبی بوده است که از جمله مهم‌ترین این دسته از بناها می‌توان به گور امیر تیمور و گورستان شاه زند در سمرقند اشاره کرد. البته ساخت مقابر مذهبی نیز کـه اغلـب قبـر عارفان دینی و سالکان طریقت و صوفیان را دربر گرفته، نیز همچنان ساخته می‌شدند و مورد احترام مردم بوده‌اند اما به طور کلی طی این دوره بـا توجـه بـه ایـن‌کـه مذهب رو به تصوف می‌نهد، ساخت آرامگاه برای امامزادگان نیز کم و بیش ادامه پیدا می‌کند.

در دوره تیموری با رشد پیشرفت در کاشی‌کاری به شیوه معرق و فراگیر شدن آن، اکثر ساختمان‌های این دوره چه بناهای مذهبی و چه بناهای غیر مـذهبی بـا این نوع از کاشی پوشش داده شده‌اند که بهترین نمونه‌های آن را می‌توان در گور امیر تیمور، مقبره گوهرشاد هرات و مسجد گوهرشاد مشهد مشاهده نمود. در اواخـر این دوره نیز کاشی هفت رنگ کم کم جایگزین کاشی معرق شد. به جرأت می‌توان گفت که در هیچ دوره‌ای از ادوار قبل به اندازه دوره تیموری به پیـرایش و آرایـش

بنا چه در نمای داخلی و چه در نمای خارجی پرداخته نشده است. این آرایش و پیرایش از یک طرف در ارتباط با کاخ‌ها و عمارات تیموری همچون کاخ آق سرای و... بوده و از طرف دیگر در بطن کامل معماری مذهبی، همچون مساجد و آرامگاه ها بوده است.

مهم ترین تزئینات کاشی کاری این دوره مربوط به آستان قدس رضوی بوده است(تصویر)؛ در این دوره در سمت قبله حرم مطهر به سال ۸۲۱ ه.ق. نخستین مسجد جامع شهر مشهد به نام مسجد گوهر شاد برپا می‌گردد (تصویر ۸)، سپس بنای دارالحفاظ بین حرم و مسجد مذکور، دارالسیاده، بزرگترین رواق اطراف حرم واقع در مغرب دارالحفاظ و سرانجام تحویل خانه یا خزانه در مشرق دارالحفاظ برپا می‌گردد. در پیرامون مجموعه نیز در زمان شاهرخ، سه مدرسه پریزاد و بالاسر و دودر ساخته می‌شود و در زمان سلطان حسین بایقراء و به کوشش امیر علی شیرنوایی صحن کهنه و اساس ایوان طلا به وجود می‌آید(عقابی،۱۳۷۸: ۳۴۴-۳۴). که اغلب این بناها با کاشی‌کاری های معرق با انواع نقوش هندسی مختلف و طرح‌های اسلیمی، شاخ و برگی، گل و... پوشش داده شده بودند. در امام زاده فردوس مشهد از همین دوره که نسب او بنا به اعتقاد مردم به امام موسی بن جعفر(ع) می‌رسد، کاشی‌های زرد و آبی زینت بخش گنبد آن شده است(نوغانی، ۱۳۶۶: ۱۹۳). در بنای امام زاده شاهسواران کاشان با کتیبه هایی به تاریخ ۸۸۷، ۹۰۱ و ۹۰۳ ه.ق کاشی‌کاری پرکاربردتر شده و کاشی‌های فیروزه ای رنگ بر گنبد آن و کاشی منقوش ختایی با لعاب فیروزه‌ای بر روی کف در ورودی شرقی، نقش بسته است(ستوده، ۱۳۶۹: ۷).

کاشی‌های مسدس لاجوردی با حاشیه سفید از قرن نهم هجری یعنی دوره تیموری بر بدنه اتاق مرقد امام زاده عبدالله بافق(افشار، ۱۳۴۸: ۱۹۹). و بر روی جزرهای سر در ورودی و بالای سر در امام زاده علی قزوین نیز که قدیمی‌ترین تاریخ آن مربوط به دوره تیموری است، تزئینات کاشی با طرح های هندسی انجام گرفته است (ورجاوند، ۱۳۴۹: ۱۴۷-۱۴۳). در امام زاده صالح ساری نیز که قدیمی ترین تاریخ موجود در آن به سال ۸۴۶ و ۸۸۴ ه.ق است؛ در زمان ساخت احتمالا کاشی‌های زیبایی داشته که امروزه باقی نمانده و از بین رفته است(کیانی: ۱۳۸۴: ۸۵-۸۳).

تصویر ۸: مشهد، حرم امام رضا (ع)، نمایی کلی از تزئینات

همانطور که از نظر گذرانده شد، مقابر مذهبی دوره تیموری نیز مزین به تزئینات کاشی‌کاری بوده‌اند و در مقابر نواحی شمالی کشور در این دوره نیز همانند ادوار قبلی، کاشی به ندرت مورد استفاده قرار گرفته و این مرتبط با شرایط آب و هوایی این منطقه بوده است که برای مثال می‌توان به امام زاده عباس، امام زاده عبدالرحمن منصور و ابراهیم و امام زاده عبدالله قاسم ساری و همچنین به امام زاده عبدالله بهشهر مربوط به همین دوره، اشاره کرد.

در دوره صفوی کاشی جای خود را پیدا کرد و به اوج زیبایی و کارکرد خود رسید. در این دوره توفیقاتی که در زمینه کاشی‌سازی به دست آمد تا این حد بود که نفوذ دائمی خود را بر تزئین معماری از جهات فنی، غنای مجموعه رنگ ها و گسترش فهرست نگاره ها محفوظ دارد(فریه، ۱۳۷۴: ۲۸۶). و تا جایی پیش رفت که این هنر به درجه‌ای از شوکت، عظمت، فلسفه، اصول، خلاقیت، حکمت، ابداع و ارزش های بی پایان نایل آمد(زمرشیدی، ۱۳۹۱: ۶۷). از آنجا که کاشی معرق از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نبود و مخارج زیاد و دقت بیشتری برای آماده شدن آن لازم بود، [هنرمندان عصر صفوی] نقوش معرق را به طرز جالبی بر کاشی‌های مربع انتقال دادند و به نام کاشی هفت رنگ برای تزئین بناها استفاده کردند(ماهر النقش، ۱۳۶۲: ۱۴). با وجود این کاشی معرق هم در اوایل دوره صفوی و هم در دوره های بعد مورد استفاده قرار می‌گرفت (تصویر ۹) و استفاده از کاشی هفت رنگ از زمان شاه عباس در بناها اعم از مذهبی و غیر مذهبی فزونی یافت.

تصویر ۹: آرامگاه هارون ولایت، تزئین مدخل ورودی با کاشی معرق، اصفهان (فریه، ۱۳۷۴)

در دوره صفوی بهترین کاشی‌ها در مساجد باشکوه این دوره و در مرقدهای متبرکه امام زادگان مورد استفاده قرار گرفت؛ صحن عتیق حرم امام رضا (ع) با کاشی‌کاری دوره صفوی (تصویر ۱۰) امروزه نیز چشم هر بیننده ای را به خود مشغول می‌سازد. ازاره داخل حرم شاهزاده حسین قزوین، فرزند امام رضا (ع)، نیز با

کاشی‌های خشتی هفت رنگ با کتیبه‌هایی به خط ثلث در زمینه لاجوردی مربوط به دوره صفوی، زینت داده شده، کاشی‌کاری پرشکوه این دوره گنبد و مناره مجموعه بناهای مذهبی مشهد اردهال و بقعه محمد هلال کاشان (تصویر ۱۱) را پوشانده شده است(کیانی، ۱۳۸۴: ۱۸۷ – ۱۷۸).

تصویر ۱۰: مشهد، حرم امام رضا (ع)، نمایی از تزئینات ایوان و گنبد

تصویر ۱۱: کاشان، بقعه محمد هلال، نمایی از تزئینات گنبد

شاهان صفوی با تکیه بر مذهب تشیع و ملیت توانسته بودند قدرت را بدست بگیرند و کوشیدند خود را دوستدار اهل بیت (ع) نشان دهند، از این رو به شکوفایی زیارتگاه های امامان شیعه در عراق و ایران همت گماردند. دکتر غروی با اشاره به کم رنگ شدن سنت تصوف در دوره صفوی، می‌نویسد: «دوره آرامگاه‌سازی برای صفویان به پایان رسید و عصر امامزادگان فرا رسید و بسیاری از امام زاده های موجود در ایران موجودیت فراموش شده خود را باز یافتند(غروی، ۱۳۷۶: ۱۶۴)

با توجه به این‌که هنر تزئینی و اصلی معماری صفوی کاشی‌کاری بوده، امام زادگان این دوره نیز سراسر، چهره کاشی به خود می‌گیرند؛ تزئینات کتیبه‌های کاشی در امام زاده ابراهیم اصفهان و در امام زاده احمد اصفهان (اصل بنا مربوط به ۵۶۳ ه.ق) و همچنین در امام زاده اسماعیل اصفهان در نوع خود بی‌نظیرند؛ بر روی گنبد امام زاده اسماعیل قم (اصل بنا از دوره ایلخانی) کاشی‌های فیروزه‌ای عصر صفوی نقش بسته و مناره‌های امام زاده اسماعیل ساوه نیز به دست هنرمندان عصر صفویان با کاشی زینت داده شده است کاشی‌کاری معرق در کنار کاشی‌های معقلی و کاشی‌های هفت رنگ صفوی در هماهنگی بی نظیری با یکدیگر، بنای امامزاده ابو احمد قم را پوشانده اند(فیض،۱۳۵۰: ۶۱۶). و امام زاده شاهزاده حسین قزوین (قرن ۹ ه.ق) همانطور که ذکر شد، اوج هنر کاشی‌کاری صفوی را به نمایش در آورده است.

با سقوط صفویان و روی کار آمدن زندیان عمارت سازی به ویژه در شیراز از سر گرفته شد و تزئیناتی که در بناهای این دوره به کار می‌رفت، همان سبک و اصول دوره صفویه، اما با کیفیت نازل تر بود. با روی کار آمدن قاجاریه با وجود آنکه قاجاریه بر خلاف صفویه، حکومتی غیر دینی بود. سیر تکامل فرهنگ تشیع در مردم ایران ادامه یافت و دوره قاجاریه با همه مشکلاتش برای مردم ایران دوره تکامل و بیداری بود(نرگسی، ۱۳۸۵: ۵۸). طی این دوره ارتباطات گسترده با غرب و تلاش کارگزاران دولتی در جهت غربی کردن فرهنگ، هنر و مذهب مردم، ایرانیان متعهد را از توجه به بزرگان دینی خود باز نداشت. به نوشته دیولافوا که در عصر قاجاریه از ایران دیدن کرده است: «علمای روحانی و پیشوایان مذهبی که عموما آنها را مجتهد می‌گویند همیشه در نزد ایرانیان یک مقام و منزلت بسیار عالی داشته و دارند»(دیولافوا،۱۳۹۰:۵۹). تمامی عوامل طی دوره قاجار دست به دست هم داد تا در این دوره نیز مانند سایر ادوار اسلامی ایران، مردم بیش از پیش به ائمه اطهار متوسل شوند و در سایر نقاط، حتی در روستاها نیز مقابر زیادی مربوط به امام زادگان بنا شود و مورد زیارت عوام قرار گیرد. اهمیت امامزاده ها در این دوره نیز به مانند ادوار پیشین، تزئینات مفصل را موجب شد و کاشی‌کاری در این دوره نیز نقش اصلی را ایفا کرد.

در این دوره فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه تعدادی بناهای تاریخی با پوشش وسیع کاشی ساختند، از جمله روش‌های این دوره اجرایی شامل کاشی هفت رنگ زیر لعابی می‌شد که گاهی با طرح قالبی ترکیب می‌گردید(پورتر، ۱۳۸۱: ۸۱). هنرمندان دوره قاجار، صاحب سنتی تکامل یافته در صنعت کاشی‌کاری شده بودند که ضمن اشتغال، اجرای برنامه‌های ساختمانی حکام توسعه و کاربرد بیشتر یافت(زمرشیدی، ۱۳۹۱: ۷۲). در دوره قاجاریه کاشی‌سازان با الهام گرفتن از طبیعت، کاشی‌هایی با گل و برگ و رنگ‌های متنوع ساختند. در این دوره کاشی‌کاری به قدر دیگر هنرها پیشرفت نداشت اما در بعضی از نقاط ایران، توسط استادکاران کاشی‌های خوبی نیز ساخته می‌شد. از جمله می‌توان به کاشی‌کاری صحن اتابکی حرم حضرت معصومه (س) اشاره کرد و باید گفت که کاشی‌کاری این دوره ظرافت دوره‌های قبل را ندارد(ماهر النقش، ۱۳۶۲: ۱۶). در این دوره و دوره قبل از آن یعنی دوره زندیه رنگ‌های جدید به همراه آن طرح‌های جدید نیز وارد هنر اصیل کاشی‌کاری ایرانی شد، اما تمام عوامل موجود باعث آن نشد که نقش و نگار کاشی در معماری امام زادگان کمرنگ‌تر شود.

مقابر مذهبی دوره قاجار نیز همچون موزه‌ای تنوع کاشی‌کاری و نقوش آن را به معرض نمایش درمی‌آورند. در این دوره به مانند دوره صفوی از هر دو نوع کاشی‌های هفت رنگ و معرق بهره می‌بردند. در حرم مطهر حضرت معصومه (ع) در ساختمان های شرقی و غربی و صحن جدید آن (صحن اتابکی) (تصویر ۱۲و ۱۳) که مربوط به قاجاریان است و همچنین در بعضی قسمت های دیگر با کاشی هفت رنگ زینت داده شده و تالار ورودی به بقعه شاهزاده حسین قزوین نیز در زمان قاجاریه با تزئینات کاشی کاری اضافه شده است(کیانی، ۱۳۸۴: ۱۷۸) تصویر ۱۴ و ۱۵ در امام زاده ابوالحسن کرج از دوره قاجاری، کاشی‌های هفت رنگ در ایوان مقابل بقعه به کار گرفته شده است(ورجاوند، ۱۳۴۹: ۱۱۵-۱۱۰). و در امامزاده شاهزاده احمد و علی حارث قم کاشی‌های معرق مربوط به زمان فتحعلی شاه قاجار زینت بخش دیوار های آن بوده است (عقابی، ۱۳۷۸: ۱۵۴).

تصویر ۱۲: قم، حرم حضرت معصومه، صحن اتابکی

تصویر ۱۳: قم، حرم حضرت معصومه، صحن اتابکی

تصویر ۱۴: قزوین، ورودی بقعه شاهزاده حسین

تصویر ۱۵: قزوین، تالار ورودی به بقعه شاهزاده حسین

در امامزاده شاهزاده اسماعیل قم (اصل بنا از دوره ایلخانی) کاشی‌کاری دوره فتحعلی شاه بر روی مرقد شریف آن نقش بسته است. گنبد امامزاده حسن تهران مزین به کاشی‌های دوره قاجار بوده و امام زاده زید تهران نیز که در آن دوره بازسازی کامل بر روی آن صورت گرفته با کاشی پوشش داده شده است. امامزاده بکشلو یا امام زاده محمد و ابراهیم ارومیه، که مهم ترین امام زاده آذربایجان غربی است، کاشی های هفت رنگ دوره قاجاری زینت بخش آن بوده (هرچند که امروزه با کاشی های جدیدی مزین شده است)(معروفی اقدم، ۱۳۹۲: ۱۷۳). و بیشمار امام زاده این دوره و ادوار قبل را می‌توان نام برد که در دوره قاجار مرمت و بازسازی شده اند و کاشی بر بدنه آن‌ها به عنوان مهم‌ترین عنصر تزئینی خودنمایی می‌کند (تصویر ۱۶)

تصویر ۱۶: کاشان، امام زاده سلطان علی بن محمد باقر (ع)، تزئین گنبد با کاشی هفت رنگ، دوره قاجار (حاجی-قاسمی،۱۳۸۹)

جایگاه هنر کاشی‌کاری در معماری ایرانی

شاخص‌ترین عنصر تزئینی در معماری اسلامی ایران کاشی است. کاشی‌کاری یکی از روش‌های تزئینی در تمامی سرزمین‌های اسلامی است که همراه با نقاشی دیواری و گچبری رنگ و طرح فراوان را برای مساجد، مقابر، کاخ‌ها و عمارت‌های شخصی به ارمغان می‌آورد. کاشی‌کاری دوران اسلامی از جمله آثار با ارزش هنری و فرهنگی باقی مانده از دنیای اسلامی است که در نبود اسناد مکتوب مصور، تصویری گویا از چگونگی تحول و توسعه هنرهایی چون نگارگری، خطاطی، کاربرد

تزئینات و رنگ‌ها را ارائه می‌نماید(پورتر، ۱۳۸۱: ۸ - ۵). معماری ایرانی همواره توأم با تزئین بوده است؛ این ویژگی قرن‌ها در معماری ایران از دوره‌های پیش از اسلام دیده می‌شود و تا دوره قاجار تداوم دارد. در این میان، کاشی‌کاری با سابقه طولانی‌اش در سرزمین مان، نقش مهمی را در این زمینه ایفا کرده است.کاشی می‌تواند سلیقه‌های حامیان به وجود آورنده و هنر هنرمندان زمانه‌اش را بازگو کند. حتی می‌تواند، نشان دهنده کارکرد ساختمانی باشد که دیوارهایش، به این عنصر مزین شده است(کریمی، ۱۳۸۵: ۶۱). این هنر طی ادوار مختلف اسلامی زینت بخش بناها بوده و سیر تحولی و تکاملی خود را پیموده و تا به امروز شاهد استفاده مکرر آن بر بدنه اکثر بناهای مذهبی هستیم.

کاشی‌کاری را می‌توان هنری آسمانی نام گذاشت که همواره زینت‌بخش مکان‌های مذهبی از جمله معابد، مساجد، مقابر، حسنیه‌ها و تکایا است. نگاهی گذرا به گذشته کاشی‌کاری نشان می‌دهد که این هنر در بدو شروع خود، در دوران قبل از اسلام در جهت تزئین بناهای مذهبی آن ادوار بوده است. تزئینات کاشی بروی ستون‌های معبد العبید در بین النهرین باقی مانده از نیمه دوم هزاره دوم ق.م، نشانه اولین کاربرد هنر کاشی‌کاری در معماری است در ایران نیز از آجرهای لعاب دار به کار گرفته شده در معبد چغازنبیل را می‌توان جزء اولین نمونه‌های کاشی به کار رفته در بنا به شمار آورد(کیانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

در مساجد ایران نیز توجه به تمام جزئیات فضای داخلی مثل رنگ، آرایه و میزان نور به دقت مورد توجه بوده‌است. طراحی هر فضا به تناسب عملکرد فضا صورت می‌گرفته‌است. شبستان‌های جنوبی با ارتفاعی معمولا کمتر و طراحی متفاوت از سایر شبستان‌ها بوده‌اند و ایوان‌ها و ورودی‌ها معمولا با دقت کاشی‌کاری می‌شدند. کاربرد آجر در معماری دوره سلجوقی بسیار رواج پیدا کرد و از انواع طرح‌های هندسی در آجر استفاده می‌شد. هنر آجرتراشی و تزیینی بنا با آجرهای تراشیده، از قرن پنجم قمری در ایران معمول بوده‌است. در کنار این تزیینات بسیار زیبای آجری، کتیبه‌ها و خطوط تزیینی، با استفاده‌از آجر تراشیده، یکی از ویژگی‌های معماری سلجوقیان است. شیشه‌های دوره‌اسلامی‌که آغاز آن (قرن هفتم و هشتم میلادی) قرن اول قمری است، از آمیختگی میان تمدن‌های امپراتوری روم شرقی(بیزانس) و پارت و ساسانی، در ایران حاصل شده‌است. با توجه به‌اشیاء شیشه‌ای کشف شده، این هنر در سمرقند، شهر ری، جرجان و نیشابور رونق بسزایی داشته‌است. وجود اشیاء متعلق به سده پنجم تا اوایل سده هفتم قمری حکایت از رونق صنعت شیشه‌گری در دوره سلجوقی می‌کند و با کشف اشیای شیشه در جرجان ونیشابور می‌توان نواحی خراسان و گرگان را از جمله مراکزساخت اشیای شیشه‌ای دانست. در اوایل دوران اسلامی کاربرد گچ در تزئینات معماری، از جایگاه والایی برخوردار بود بطوریکه اغلب سطوح بناها را با آن اندود می‌کردند و روی آن را گچبری رنگی تزئین می‌کردند.

در قرن پنجم هجری قمری، تغییراتی در ظاهر گچبری‌ها پدیدار گشت که محصول خلاقیت و ابتکار بود. در این دوره گچ بری از نظر تنوع اجراء به مرتبه حیرت انگیزی دست باقتو در اغلب موارد و در نحوه‌استفاده‌از گچبری نیز تغییراتی پیدا شد به گونه‌ای که کم کم بطور موقت، گچ بری جای خود را به رشد عظیم آجرکاری دوره سلجوقی داد. اما این بدان معنا نبود که گچبری جایگاه والای خود را بطور کلی از دست بدهد چرا که وجود گچ بریهای بسیار غنی همچون گنبد علویان همدان موید این نکته است که گچ بری به موازات آجرکاری به پیشرفت و تکامل خود ادامه داد.

در دوره صفوی، تزیینات چوبی در بناهای غیرمذهبی دارای نقش اصلی بود و در آنها میزان بیشتری ازتذهیب‌کاری و نقاشی‌های لاکی استفاده می‌شد. طرح‌های آنها با هنر مینیاتور دارای رابطه نزدیکی بود. کنده‌کاری و خراطی به ویژه در درها و سقف‌ها خود هنر خاصی دراین دوره بوده‌است. نقاشی‌های دیواری (فرسک) در کاخ عالی‌قاپو، قصر اشرف و چهلستون و همچنین آیینه‌کاری به عنوان نوعی تزیین جدید دربناها، مانند آیینه خانه، مورد استفاده قرار گرفته‌است. هنر کاشی‌کاری و همچنین شاهکارهای درخشان و پرجاذبه هنر گچبری پس از اسلام در ایران که از بناهای دوره سلجوقیان و ایلخانیان رواج یافت، در دوره صفویه به آخرین حد زیبایی وتکامل رسید. سه قسم کاشی‌کاری مهم در تزیین بناهای این دوره چشمگیر هستند: کاشی یکرنگ، کاشی موزاییک یا معرق و کاشی هفت رنگ. بناهای دوره صفوی که با این نوع کاشی‌کاری آرایش شده‌اند، در هیچ جای دنیا نظیر ندارند. نکته قابل توجه در تزئینات داخلی و خارجی بناهای سنتی ایران این است، که تزئینات جزئی از بنا بوده و هیچ گاه به صورت بزک و عنصری اضافی نبوده‌است حتی در دوره‌ای سفت‌کاری و تزئینات هم زمان اجرا می‌شد. این میزان توجه به ارایه و تزئینات سبب ارتقای کیفیت فضاهای مورد استفاده بوده‌است. معماری کویری ایران به ویژه در خانه‌ها، به علت ماهیت درونگرای آن سرشار از نمونه‌های بدیع و زیبای طراحی داخلی است که در آن ایجاد فضایی در تضاد با محیط کویری و القای حس زندگی و سرسبزی درون بنا از مهمترین اهداف معماران سنتی در طراحی داخلی بوده‌است. استفاده‌از شیشه، آئینه، گچ‌کاری و هنرهای ظریفه دیگر در تزئین و آرایه بندی فضا، تمام ملاحضات زیبایی شناسی، اقلیمی و حتی شرعی را نیز شامل می‌شده است به عنوان مثال شکل‌گیری آیینه‌کاری به عواملی چند بستگی داشته‌است. این عوامل عبارتند از:

۱ ـ نیاز به روشنایی موجب شد تا از آیینه برای تزئین استفاده شود. زیرا در این صورت با حداقل نور می‌توان روشنایی زیادی ایجاد کرد.

۲ ـ چون طبق دستورات دینی هنگام عبادت نباید چهره خود را در آیینه دید، آیینه‌ها به حال شکسته قرار گرفتند به نحوی که اگرچه در مقابل آن قرار گیرید نمی‌توانید چهره خود را ببینید.

۳ـ علاقه به تزئین زیارتگاه‌ها موجب شد تلاش برای تزیین بکار رود.

۴- چون بکارگیری تصاویر موجودات زنده اعم از انسان و حیوان در محل عبادت در اسلام در مقابل نمازگزار مجاز نیست تزئینات شکل هندسی بخود گرفت. این ویژگی‌ها آثار هنری آیینه‌کاری را در ایران بوجود آورد.

در دوران قاجاریه که به سبب تعاملات فرهنگی و مراودات سیاسی، معماری اروپایی به جای معماری ایران در ساختمان‌های دولتی و برخی کاخ‌ها الگو قرار گرفت، توجه به هنرهای ظریفه افزون شد. نمونه‌های زیبایی از پنجره‌های رنگی، گچ کاری و آئینه کاری را می‌توان در خانه‌های به جامانده از دوران قاجار به ویژه در کاشان یافت. خانه بروجردی‌ها به عنوان یکی از بهترین آثار معماری ایران سرشار از خلاقیت‌های هنرمندان سنتی ایران است.

معماری کاشی در آسیای صغیر

برای آغاز کار هیچ جا شایسته‌تر از شهر کهن دمشق با آن همه آثار تاریخی و مواریث هنری نیست. از جلوه‌های هنری تاریخی دمشق، مسجد جامع آن است که بر جای پرستشگاه ژوپیتر خدای خدایان رومیان ساخته شده است. این مسجد بر پایه نقشه قدیم یعنی مستطیلی بود که وسعت بسیار داشت و خلیفه، برای بر پا داشتن زیباترین ساختمان جهان صنعتگران هندی، ایرانی، مصری و قسطنطنیه‌ای را به آنجا فراخوانده بود. محوطه معبد قدیم را حیاط کردند که در آن خلیفه در روزهای خاصی بار می‌داد. برج‌های کهن رومی را در گوشه‌های پرستشگاه تبدیل به منار کردند. پیرامون این حیاط را سرپناهی ستون‌دار پوشانده بود. بخش پایین

دیوارها با سنگ مرمر رنگین و برفراز آن با موزائیک‌های بس شگفت و زیبا آرایش شده بود. یکی از جهانگردان که در قرن ششم هجری به آن جا رفته و این موزائیک‌ها را دیده می‌گوید:«این موزائیک‌ها همه شهرهای جهان را نمایش می‌دهد و همه درختان آن سبز و زرین و سیمین هتند و از سطح آن گویی زر می‌چکد و می سوزد و دود می شود.» سر ستون‌ها با زر پوشیده شده و دیوارهای بالای آن با موزائیک که در پرتو صدها قندیل می‌درخشید آرایش گشته بود.

پس از بر افتادن امویان، عباسیان دارالخلافه را به بغداد منتقل ساختند. صدهزار کارگر در مدت چهار سال شهر پرشکوه بغداد را به فرمان منصور ساختند. شیوه‌های هنری به زودی چنان در هم آمیخت که حریر بافان سوری در دمشق چه بسا از اندیشه صنعتگران این فن که در ایران بودند بهره می‌گرفتند و طرح‌هایی که کنده‌کاران بغدادی به کار می‌بردند به کارکنده کاران عاج در اسپانیا می‌آمد.

بغداد و قرطبه پایتخت اسپانیای اسلامی از یکدیگر صدها فرسنگ دور بودند امّا با هم رقابتی سخت داشتند و چشم هم چشمی می‌کردند. مایه سرافرازی قرطبه، مسجد جامع آن بود که یکی از مسجدهای جهان و مقدس‌ترین جا در نظر مسلمانان مغرب به شمار می‌رفت. این مسجد اکنون کلیسا گشته است امّا هنوز هم چون از حیاط پر درخت پرتغال به این ساختمان در می‌آیید به دشواری می‌توانید باور کنید که این جا کلیساست؛ چون به سوی جنوب گام برداریم از میان ردیف ستون‌هایی که عبدالرحمن دوم ساخته است می‌گذریم. آرایش طاق‌های کمانی بیشتر می‌شود و در میان آنها محراب را که فرورفتگی ژرفی است در دیوار جنوبی می‌بینید که از پیرامون آن طلاهای موزائیک ها می‌درخشد. طاق های کمانی پیشین محراب با زیبایی فراوان درهم گره خورده اند. در فضای میان آن‌ها قوس‌های کوچک زیبایی در کنار دیوار جنوبی شبستان ساخته شده است.

این آرایش‌ها کار هنرمندانی است که به فرمان حاکم روم خلیفه قرطبه که در پایان سده چهارم هجری فرمان می‌راند به کار گمارده شدند. این هنرمندان، محراب و فرورفتگی آن و طاق‌های کمانی را با روپوشی از گچ و مرمر سفید و نقش‌های گل و بته به شیوه اسلیمی آراستند. این شیوه در هنر اسلامی به هزارها گونه جلوه‌گر شده است. گل‌های دلپسند و زیبای اسلیمی در موزائیک‌های پیرامون طاق محراب، کار هنرمندان قسطنطنیه است که به فرمان امپراتور بیزانس و به خواهش حاکم، به قرطبه فرستاده شدند. طاق طرف راست محراب نیز که با موزائیک آراسته شده است محل مخصوص ورود خلیفه به مسجد بود. به هنگامی که قرطبه از جنگ خانگی رو به ویرانی می‌رفت، یک شهر اسلامی دیگر در گوشه‌ای از قلمرو اسلام استقلال یافت و دستگاه خلافتی در آن بنیاد گرفت. این شهر نوخاسته، قاهره بود که به دست خلفای فاطمی در سده چهارم هجری پایه گذاری شد و مرکز هنر گشت، چنان که با بغداد و قرطبه در روزگار عظمت آنها پهلو می‌زد. ولی دیری نپایید که قدرت خلفای فاطمی مانند خلفای عباسی رو به سستی نهاد. در اواسط سده پنجم هجری، ترکان سلجوقی از آسیای میانه رو به سوی سرزمین‌های اسلامی آوردند و بر این کشورها تاختند. سپاه ترکان نیروهای امپراتور بیزانس را در هم شکست و بیشتر آسیای صغیر را فتح کرد. در همان سال مصریان را از فلسطین راندند و شهر مقدس اورشلیم را گرفتند. ترکان متعصب از آمدن زائران مسیحی به شهر اورشلیم جلوگیری کردند که موجب آغاز جنگ های صلیبی گردید.

در درون دیوارهای شرق شهر، مقدس‌ترین جایگاه مسلمانان یعنی حرم قرار داشت. از این جا بود که محمد صلی الله علیه و آله وسلم به معراج رفت و در میان حرم، صخره مقدس بود که ابراهیم فرزندش را بر آن برای قربانی کردن آماده کرد. در سال (۶۹ ه. ق) عبدالملک خلیفه اموی بر آن شد که بر فراز این صخره گنبدی پرشکوه بسازد که با گنبد کلیسای قبر مقدس عیسی برابری کند که ساخته شد. باز یک مسجد بزرگی در جنوب حرم ساخته شد که مسجد الاقصی نام کردند. صلیبیان با آن که به اسلام به دیده نفرت می‌نگریستند، از دیدن گنبد الصخره به حیرت افتادند. هرگز ساختمانی همانند آن را ندیده بودند. دیوار هشت گوش و گنبدی که بر فرازش استوار است همه با موزائیک پوشیده شده و سراسر این ساختمان در آفتاب همچون کلاهی آراسته به گوهر می‌درخشید. مسیحیان به جای ویران کردن، این مسجد را به کلیسا تبدیل کردند. آنان چنان شیفته این گنبد شدند که همین الگو را در ساختن بسیاری از کلیساهای اروپا به کار بستند. صلاح‌الدین ایوبی به سال (۶۱۳ هـ) اورشلیم را گرفت، پیروانش نشان‌های مسیحیان را از مسجدالاقصی و قبه الصخره کندند و به فرمان صلاح الدین آرایش‌های فراوانی بر این مسجد افزودند و دیوارهای درون مسجد را با زر، موزائیک‌کاری کردند. صلاح الدین محرابی دیگر در مسجد ساخت و از حلب جهت آن منبری از چوب سدر آوردند. این منبر را ساخته بودند که چون اورشلیم گشوده شود به این مسجد بیاورند. صلاح الدین پوشش زرین گنبد را تجدید کرد.

در اواسط قرن دهم هجری، سلطان سلیمان قانونی، نیرومندترین فرمانروای سراسر جهان اسلام شد .قبله‌گاه این امپراتوری استانبول بود. جهانگردان از مشرق و مغرب به آن جا رو می‌آوردند ولی هر کس که استانبول را می‌دید، شیفته زیبائی‌های آن می‌شد. سلطان سلیمان با ثروت بیکران امپراتوری، از همه سلطانان و وزیران پیشین در ساختن بناهای زیبا و بزرگ پیشی گرفت و معمار او، سنان پاشا مردی نابغه بود. سنان به فرمان سلطان، مسجد سلیمانیه را پی‌ریزی کرد. جای این مسجد در سومین و بلندترین تپّه شهر بود. در سال ۹۶۸ هجری که این شاهکار به پایان رسید، سنان دست به کار ساختن مسجدی خردتر شد به نام رستم پاشا، داماد وزیر اعظم سلطان. در جلو شبستان پیش آمدگی است که پنج گنبد بر روی آن ساخته‌اند و دیوار آن با سطح‌ها و فرورفتگی‌های آرایش شده با کاشی‌های لعابی درخشان آراسته شده است. درون مسجد نیز با همین کاشی‌ها آرایش گشته.

هنر این ساختمان در آرایش آن است نه در معماری؛ دیوارها و تیرهای سقف که سنگینی گنبد بر روی آنهاست، با کاشی پوشیده شده است. این کاشی‌ها مانند باغی پر از گل‌های زیبا به رنگ‌های فیروزه‌ای و آبی پررنگ و نارنجی بر زمینه سفید است. در سطح‌های مستطیلی پیرامون برآمدگی مسجد، کاشی‌های چهارگوش را چنان در کنار هم جای داده‌اند که نقش آن‌ها با هم می‌خواند و تصویرهای کاملی از آلوی پر گل در میان گل‌های لاله و میخک و یاس به دست می‌دهد. گفته‌اند که در مسجد رستم پاشا چهل و یک نوع لاله رسم شده است.

هنر سفالگران و کاشی‌سازان ترک به هنگامی که این مسجد ساخته می‌شد به منتهای پیشرفت رسیده بود. شیوه کهن رنگ طلایی و موزائیک با کاشی ریز به کناری نهاده شده بود و اکنون کاشی‌های چهارگوش را با رنگ‌های روشن، نقاشی می‌کردند و لعابی پر جلا به آن می‌زدند.

در کارگاه‌های ایزنیک، نزدیک استانبول، هم سفالگری و هم کاشی‌سازی رواج دارد. کاشی‌های ساخت ایزنیک، خانه‌های بزرگان ترک و کاخ سلطانیان را آرایش می‌داد. امروزه در سرای سلطان می‌توان اتاق‌هایی را که از کف تا سقف از کاشی پر نقش پوشیده است تماشا کرد. چندین قرن این کاشی‌ها از دیدگاه مردم پنهان بود.

نتیجه

شکوه، عظمت و زیبایی معماری اسلامی ایران و حتی معماری قبل از اسلام، بیش از هر چیز به تزیین و آرایش آن بستگی دارد. هنرهای والای اسلامی، چه هنرهای تزئینی و چه هنرهای کاربردی، دارای اهمیت واعتبار ویژه ای است؛ این اهمیت و اعتبار زمانی به اوج خود می‌رسد که هدف، ساخت یک بنای مذهبی و ارج دادن به آن باشد. در میان تمامی بناهای مذهبی، مقابر و به طور اخص امام زادگان در کنار مساجد، مهم‌ترین بناهای ایران اسلامی به شمار می‌آیند. با توجه به این که کانون اصلی تشیع، ایران بوده و از طرف دیگر با توجه به آراء و افکار و اعتقاداتی که مذهب تشیع در ارتباط با امامان و اولیاء و ایجاد بنا بر روی قبور آن‌ها دارند، حضور این همه امامزاده تا حد زیادی قابل توجیه و امری مسلم است. اهمیت و توجه خاص به این دسته از بناها، موجب شده تا در هر دوره از ادوار اسلامی ایران، هنری جهت آرایش آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد که در شأن امامزادگان بوده و مهم‌ترین زینت، آن دوره اسلامی باشد.

منابع:

۱- اتینگهاوزن، ریچارد. (۱۳۶۵). ایلخانان. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
۲- افشار، ایرج. (۱۳۴۸). یادگارهای یزد. ج ۱ و۲، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۳- برند، باربارا. (۱۳۸۳). هنر اسلامی. ترجمه: مهناز شایسته فر، تهران: انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی.
۴- بهروزی، علینقی. (۱۳۴۹). بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه فارس. شیراز: انتشارات اداره کل فرهنگ فارس.
۵- پورتر، ونیتیا. (۱۳۸۱). کاشی‌های اسلامی، ترجمه: مهناز شایسته فر، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶- حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۸۹). امامزاده و مقابر، جلد ۱، ۲ و ۳، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۷- حاتم، غلامعلی. (۱۳۷۹). معماری اسلامی ایران دردوره سلجوقیان. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸- دیباج، اسماعیل. (۱۳۴۵). آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان. تهران: انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
۹- دیولافوا، ژن. (۱۳۹۰). سفرنامه مادام دیولافوا. ترجمه: همایون فره وشی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۱۰- رفیعی مهر آبادی، ابوالقاسم. (۱۳۵۲). آثار ملی اصفهان. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۱۱- ستوده، منوچهر. (۱۳۶۹). گزارشی از امامزاده شاهسواران کاشان. تهران: اطلاعات.
۱۲- سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۴). نائین شهر هزاره‌های تاریخی. تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۳- عقابی، محمدمهدی. (۱۳۷۸). دایره المعارف بناهای تاریخی دوره اسلامی (بناهای آرامگاهی). تهران: انتشارات سوره.
۱۴- غروی، مهدی. (۱۳۷۶). آرامگاه در گستره‌ی فرهنگ ایرانی. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۵- فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). هنرهای ایران. ترجمه: پرویز مرزبان. تهران: انتشارات نشر پژوهش فرزان روز.
۱۶- فیض. (۱۳۴۹ و ۱۳۵۰). گنجینه‌ی آثار قم. ج ۱ و۲، بی جا: انتشارات مهر استوار.
۱۷- کیانی، محمد یوسف. (۱۳۸۴). تاریخ هنر و معماری ایران در دوره اسلامی. تهران: سمت.
۱۸- گدار، آندره. (۱۳۶۷). آثار ایران. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۹- ماهر النقش، محمود. (۱۳۶۲). طرح و اجرای نقش در کاشی کاری ایران دوره اسلامی. تهران: انتشارات موزه رضا عباسی.
۲۰- مختارانی، پانته آ و سحر مختارانی. (۱۳۷۶). آرایه های معماری ایران، تهران: نشر توکا.
۲۱- معروفی اقدم، اسماعیل. (۱۳۹۲). مقابر آذربایجان از صدر اسلام تا دوره قاجار. تهران: انتشارات سمیرا.
۲۲- ورجاوند، پرویز. (۱۳۴۹). سرزمین قزوین. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
۲۳- ویلبر، دونالد. (۱۳۴۶). معماری ایران در عصر ایلخانان. ترجمه: عبدالله فره یار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۴- ویلبر،دونالد. (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران دردوره ایلخانیان. ترجمه عبدالله فره یار. تهران: انتشارات علمی وفرهنگی.
۲۵- هیلن براند، رابرت. (۱۳۸۳). معماری اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام. تهران: انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری شهرداری تهران.
۲۶- خلج، محمد رضا. (۱۳۸۲). پژوهشی در معماری آرامگاهی مذهبی شهر قزوین. پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی، دانشگاه تهران.
۲۷- خزائی، محمود. (۱۳۸۲). مجموعه مقالات اولین همایش اسلامی. چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۸- رجبی، سید صفر. (۱۳۷۴). ساوه دو مسجد و یک مزار تاریخی. فصلنامه مشکوه، شماره ۴۶.
۲۹- رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۵۸). رابطه دین و دولت در دوره معاصر (صفویه و قاجاریه). فصلنامه پژوهش انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶ و
۳۰- زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۱). سیر تحول کاشی‌کاری در آثار معماری دوره صفویه تا امروز. فصلنامه معماری ایرانی، شماره ۲.
۳۱- کریمی، اعظم. (۱۳۸۵). بررسی نقش‌های کاشی‌کاری مجموعه‌ی کاخ گلستان. مجله رشد آموزش هنر، شماره ۷.
۳۲- کیانی، فاطمه. (۱۳۹۰). درآمدی بر هنر کاشی کاری ایران. مجله ماه هنر، شماره ۱۵۳.
۳۳- معروفی اقدم، اسماعیل و محمودی نسب، علی اصغر. (۱۳۹۲). معرفی مقبره امامزاده قاسم عجب شیر و مقایسه ی کاشی‌های آن با گنبد غفاریه. مجموعه مقالات همایش باستان شناسی بیرجند.
۳۴- نوغانی، احمد. (۱۳۶۶). آثار تاریخی شهر فردوس. فصلنامه مشکوه، شماره ۱۷.
۳۵- یوسفی آبکسری، سپنتا. (۱۳۷۹). بررسی بناهای عصر صفوی در کرج. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.